

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

تفصیل مرحوم آخوند در مقدمه حرام و مکروه

مرحوم آخوند فرموده‌اند در مقدمه حرام یا مقدمه مکروه نمی‌توانیم مثل مقدمه واجب به صورت مطلق قائل به ملازمه شویم. بلکه در مقدمه حرام و مقدمه مکروه، باید تفصیل داده شود. تفصیل این است که اگر مقدمه حرام طوری باشد که بعد از انجام مقدمه، این شخص تمکن از ترک ذی المقدمه را دارد، اینجا مقدمه حرام، حرام نیست.

اگر مقدمه به این نحو است که بعد از اینکه مکلف مقدمه را انجام دارد، بعد از آن می‌تواند و قدرت دارد که ذی المقدمه را ترک کند، مثلاً می‌خواهد قتلی انجام دهد و مقدمه این قتل این است که چاقویی را از بازار تهیه کند، لکن وقتی این چاقو را تهیه کرد، باز تمکن از ترک قتل دارد، بعبارة آخری قتل نیاز دارد به یک اراده جدید، به مجرد خریدن چاقو قتل محقق نمی‌شود، بین آن و بین قتل اراده‌ای مترتب است و این اراده اگر محقق شود ذی المقدمه محقق می‌شود و اگر محقق نشود ذی المقدمه محقق نمی‌شود، در این فرض می‌گویند مقدمه حرام، حرام نیست.

اما اگر مقدمه حرام طوری باشد که پس از انجام آن دیگر تمکن از ترک ذی المقدمه ندارد، اینجا این مقدمه عنوان حرام دارد. مثلاً انسانی در مسیری حرکت می‌کند، اگر چاهی را در این مسیر حفر کنیم، سبب و مقدمه می‌شود برای اینکه آن شخص در چاه واقع شود و از بین برود.

بعبارة آخری؛ در مقدمه حرام بین مقدمه حرامی که از افعال تولیدیه است و مقدمه حرامی که از افعال تولیدیه نیست باید فرق بگذاریم.

به افعالی تولیدیه می‌گوییم که بعد از آن فعل، برای تحقق فعل دیگر نیاز به اراده‌ای نیست. شما کسی را در داخل آتش بیاندازید و یا کسی را از ارتفاع صد متری پرت کنید، این را می‌گویند از افعال تولیدیه، یعنی مسبب، خود به خود تحقق پیدا می‌کند و دیگر نیازی به اراده شما نیست. اینطور نیست که بگویید من او را پرت می‌کنم و بعد اراده می‌کنم که کشته شود. این افعالی که به مجرد سبب، مسبب تحقق پیدا می‌کند و اراده‌ای مترتب بین سبب و مسبب نیست به آن می‌گویند افعال تولیدیه.

مرحوم آخوند می‌فرمایند اگر مقدمه حرام، عنوان سبب تولیدی دارد، این مقدمه حرام، حرام است.

اگر عنوان سبب تولیدی ندارد، یعنی بین مقدمه و ذی المقدمه باید اراده‌ای مترتب و واسطه شود، اینجا مقدمه حرام، حرام نیست.

مرحوم آخوند بعد از بیان این تفصیل، اشکالی را مطرح می‌کنند و آن را جواب می‌دهند.

اشکال این است که بالاخره در همان افعال غیرتولیدیه، تا مقدمه نیاید ذی المقدمه نمی‌آید. درست است در افعال غیر تولیدیه، بعد از مقدمه، اراده باید بیاید، این اراده هم بعد از ذی المقدمه محقق می‌شود. اما آیا می‌توانیم بگوییم این ذی المقدمه، توقف بر این مقدمه ندارد؟ خیر. بالاخره باید آن مقدمه بیاید. برای اینکه قانون داریم «الشیء ما لم یجب لم یوجد»؛ شیء تا مادامی که به حد وجوب و ضرورت نرسد موجود نمی‌شود. چه زمانی ذی المقدمه به حد وجوب و ضرورت می‌رسد؟ زمانی که تمام مقدمات آن تحقق پیدا کند. لذا این ذی المقدمه بر آن مقدمه هم توقف دارد.

پاسخ مرحوم آخوند از اشکال

مرحوم آخوند در جواب می‌فرمایند درست است، اگر در افعال غیر تولیدیه مقدمه محقق نشود، ذی المقدمه محقق نمی‌شود، ولی آنچه برای ما مهم است آن جزء اخیر علت تامه برای ذی المقدمه است. در جایی که ذی المقدمه یک مقدمه دارد بعلاوه اراده، آنچه جزء اخیر علت تامه است عبارت از اراده است.

می‌فرمایند قبول داریم تا آن مقدمه و اراده نیاید باید همه اینها محقق شود تا ذی المقدمه محقق شود، اما آنچه جزء اخیر علت تامه است، عبارت از اراده است، و اراده چون امری غیر اختیاری است، نمی‌تواند متعلق حکم واقع شود.

شما نمی‌توانید بگویید این اراده حرام است، برای اینکه طبق مبنای آخوند، اراده امری غیر اختیاری و متعلق تکلیف باید امری اختیاری باشد. لذا نمی‌شود گفت این اراده حرام است.

اگر جزء اخیر علت تامه، حرام نبود، آن جزءهای غیر اخیر دیگر به طریق اولی است و آن مقدمه را نمی‌توانیم بگوییم عنوان حرام دارد. این خلاصه فرمایش مرحوم آخوند است.

در عبارت مرحوم آخوند در کفایه تقریباً سه مطلب اصلی و اساسی وجود دارد:

مطلب اول: فرموده‌اند اراده جزء اخیر علت تامه برای ذی المقدمه است.

مطلب دوم: که در چند جای کفایه این مطلب دوم را مبنا برای نظر خود قرار داده‌اند این است که اراده از امور غیر اختیاریه است و اگر از امور غیر اختیاری شد، متعلق تکلیف قرار نمی‌گیرد.

مطلب سوم: در بعضی از تعبیرات خود در این بحث، تعبیر می‌کنند به اینکه همانطور که امر، دلالت بر طلب دارد، نهی هم دلالت بر طلب دارد. منتها امر دلالت دارد بر طلب فعل، نهی دلالت بر طلب ترک دارد. در اصل طلب بین این دو اشتراک است، منتها در متعلق طلب اختلاف است.

نتیجه: علت اینکه بین مقدمه واجب و مقدمه حرام باید فرق بگذاریم همین است، چون در واجب آنچه مطلوب است، فعل است و فعل اگر بخواهد تحقق پیدا کند باید جمیع مقدمات آن تحقق پیدا کند، نمی‌شود فعلی که ده مقدمه دارد، بگوییم نه مقدمه آن که آمد محقق می‌شود. در فعل و در باب واجب، تمام مقدمات باید تحقق پیدا کند.

اما در باب ترک، اینطور نیست، ترک ذی المقدمه، به ترک یکی از مقدمات آن هم تحقق پیدا می‌کند. اگر یک ذی المقدمه‌ای حرام باشد، این ذی المقدمه‌ی حرام، اگر بخواهد انجام شود نیاز به ده مقدمه دارد، اگر یکی از اینها را هم ترک کنید ذی المقدمه ترک می‌شود. لازم نیست برای ترک ذی المقدمه، همه مقدمات را باید ترک کنیم. اگر نه تائید آن را بیاورید و یکی از آنها را ترک کنید ذی المقدمه ترک می‌شود.

لذا این هم مطلب سوم است که چون مطلوب در باب واجب و اوامر، فعل است و در باب نواهی ترک است، علت مهم فرق بین مقدمه واجب و مقدمه حرام هم همین است.

پس در فرمایش مرحوم آخوند سه مطلب اساسی وجود دارد.

آیا این تفصیلی که مرحوم آخوند داده‌اند درست است یا نه؟

نقد مرحوم امام بر تفصیل مرحوم آخوند

مرحوم امام (رضوان الله علیه) یک اشکال را مطرح فرموده‌اند (مناهج: 1: 415).

مرحوم امام به این مطلب اول مرحوم آخوند (یعنی طبق بیانی که ما عرض کردیم، که فرموده اراده، جزء اخیر علت تامه است)، امام بر این مطلب اشکال کرده و فرموده‌اند اراده جزء اخیر علت تامه در افعال خارجی نیست، در افعال ذهنیه و نفسانیه، اراده جزء اخیر علت تامه است، اما نسبت به افعال خارجی جزء اخیر نیست.

برای این مثال روشنی زده‌اند، شما اراده می‌کنید شرب الماء را، آیا به مجرد اراده، شرب الماء محقق می‌شود؟ خیر؛ بعد از اراده، باید تحریک عضلات شود و آب را بردارد، نزدیک دهان کند و آب را ببلعد تا شرب تحقق پیدا کند.

اراده شرب الماء خودش جزء اخیر علت تامه نیست، بلکه بعد از اراده باید تحریک عضلاتی و یک آلات خارجی‌ای تحقق پیدا کند.

بعبارة آخری؛ نفس انسان نسبت به افعال خارجی محتاج به آلات است، آلات از قبیل همین تحریک عضلات و یا وسایل دیگری که در هر موردی نیاز است.

لذا بعد در آخر فرموده‌اند: این بیان مرحوم آخوند به نظر عرف درست است، وقتی عرف نظری سطحی می‌کند، می‌گوید اراده، جزء اخیر علت تامه است. اما به نظر دقیق فلسفی، اراده جزء اخیر علت تامه نیست، به همین توضیحی که بیان فرموده‌اند.

این اشکال را فرموده‌اند و بعد گفته‌اند این تفصیلی که مرحوم آخوند داده‌اند غیر مرضیه.

پاسخ استاد از نقد مرحوم امام

اشکال مرحوم امام به این قسمت از مطلب مرحوم آخوند اشکال واردی است، ولی آنچه می‌خواهیم عرض کنیم اینکه آیا این اشکال، تفصیل را از بین می‌برد؟

ما چه بگوئیم اراده، جزء اخیر علت تامه است، چه بگوئیم بعد از اراده، اجزاء دیگری به عنوان علت وجود دارد، این تفصیل مرحوم آخوند را از بین نمی‌برد.

گفتیم مرحوم آخوند سه مطلب اساسی دارد و یکی از مطالب ایشان این است که اراده، جزء اخیر علت تامه است. مطلب دوم گفتیم می‌گوید اراده، امری غیر اختیاری است و متعلق حرمت و تکلیف قرار نمی‌گیرد. مطلب سوم هم این بود که فاصل بین مقدمه واجب و مقدمه حرام، همان مقدمه سوم بود.

اگر مرحوم آخوند بگوید فرقی نمی‌کند بگوئیم اراده جزء اخیر علت تامه یا بگوئیم اراده از اجزاء متقدمه است و اجزاء دیگری هم بعد از آن می‌آید، اما ایشان آنچه را که می‌خواهد فرق بگذارند، می‌فرمایند بین مقدماتی که بعد از مقدمه، دیگر اراده ذی المقدمه لازم نیست و مقدماتی که بعد از مقدمه، اراده ذی المقدمه لازم است، می‌خواهند بین این دو صورت فرق بگذارند، حال در این بحث، فرق نمی‌کند بگوئیم آیا اراده، جزء اخیر علت تامه است یا نیست.

لذا به نظر می‌رسد این فرمایش امام ولو اینکه در این جهت فرمایش محکمی است، ما هم می‌پذیریم اراده، جزء اخیر علت تامه نیست، اما ضربه‌ای به تفصیلی که مرحوم آخوند بیان کرده‌اند وارد نمی‌کند.

نقد دیگری بر تفصیل مرحوم آخوند

اشکال دومی به مرحوم آخوند شده که؛ ما اراده را امری اختیاری می‌دانیم. شما مرحوم آخوند اراده را امری غیر اختیاری می‌دانید. وقتی امری غیر اختیاری شد، می‌گویید حرمت به آن تعلق پیدا نمی‌کند، چون متعلق تکلیف باید مقدور باشد. اشکال این است که اراده، بالذات امری اختیاری است.

آیا این اشکال به تفصیل مرحوم آخوند ضربه‌ای وارد می‌کند یا نه؟

پاسخ استاد محترم از اشکال دوم

به نظر می‌رسد باز این اشکال که در کلمات بزرگانی وجود دارد، و والد بزرگوار ما و بعضی دیگر از اساتید هم روی این اشکال تکیه کرده‌اند، این اشکال هم به تفصیل مرحوم آخوند ضربه‌ای وارد نمی‌کند.

مرحوم آخوند می‌فرمایند در جایی که بین مقدمه و ذی المقدمه اراده‌ای نیست، آنجا حرمت ذی المقدمه به مقدمه سرایت می‌کند. اما در جایی که بین مقدمه و ذی المقدمه اراده، واسطه می‌شود، حال چه بگوئیم اختیاری چه غیر اختیاری، یعنی تا اراده نیاید ذی المقدمه حاصل نمی‌شود.

می‌خواهد بگوید اینجا ملازمه نیست، اینجا حرمت از ذی المقدمه به مقدمه سرایت نمی‌کند.

لذا عبارت مرحوم آخوند را ببینید ولو اینکه در جواب آن ان قلت روی این مسأله تکیه می‌کنند که اراده، امری غیر اختیاری است، ولی به نظر می‌رسد در این تفصیل فرقی نمی‌کند بگوئیم اراده اختیاری باشد یا غیر اختیاری. درست است اگر اراده غیر اختیاری شد، متعلق حرمت قرار نمی‌گیرد، چون امر غیر اختیاری متعلق تکلیف واقع نمی‌شود، اما این تفصیل مبتنی بر این نیست. فقط مبتنی بر این است که بین مقدمه و ذی المقدمه اراده باشد یا نباشد. اگر اراده باشد به این معنا است که ذی المقدمه مستند به خصوص آن مقدمه نیست، اگر اراده نباشد به این معنا است که ذی المقدمه مستند به این مقدمه هست. لذا این اشکال

دوم هم بر مرحوم آخوند وارد نیست.

نقد سوم بر تفصیل مرحوم آخوند

اشکال سومی هم کرده‌اند(البته اینها را ما ترتیب می‌دهیم والا به این نحو در کلمات نیست)؛

مرحوم آخوند حقیقت نهی را طلب قرار داده است و فرموده بین نهی و امر فرقی نیست و هر دو دلالت بر طلب دارند، منتها امر، طلب الفعل است و نهی، طلب الترك است.

درست است، در عبارت مرحوم آخوند کلمه مطلوب آمده است و فرموده در جایی که بین مقدمه و ذی المقدمه اراده‌ای نباشد «لامحاله یكون مطلوب الترك»، کلمه طلب آمده، اما آیا این طلب در این تفصیل مرحوم آخوند دخالت دارد؟ یعنی اعم از اینکه بگوییم حقیقت نهی، طلب است یا بگوییم حقیقت نهی، زجر است؟ چون مبنای دیگر این است که بگوییم امر و نهی ذاتا و حقیقتا با هم مختلف هستند، امر طلب است و نهی زجر است.

پاسخ استاد محترم از اشکال سوم

به نظر می‌رسد باز فرقی در این تفصیل نمی‌کند. چه بگوییم نهی عبارت از طلب ترک است و چه بگوییم نهی عبارت از زجر است، فرقی در این تفصیل که مرحوم آخوند دارند نمی‌کند.

لذا سه مطلب که محور سه اشکال است، هر سه مطلب هم در این بحث در کلمات مرحوم آخوند بنحوی وجود دارد. اما به نظر می‌رسد این سه مطلب در این تفصیلی که مرحوم آخوند داده‌اند نقشی ندارد و این تفصیل می‌تواند به قوت خود باقی باشد.

تفصیلی هم مرحوم نائینی در کتاب أجود التقریرات 1: 361 داده‌اند، که آن را هم در جلسه بعد مطرح می‌کنیم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ